

۱۶۶۶۷

۵۹

کتابخانه

مجله

مرداد و شهریور ۱۳۶۸

تاریخ نشر

۲۵

شماره

۲۶

شماره مسلسل

قمر

محل نشر

فارسی

زبان

رضا استادک

نویسنده

۱۴: (۸۶ - ۹۹)

تعداد صفحات

اهل بیت رسالت در تفسیر طبرستان

موضوع

۱- علای اهل تنن در برخورد با مضائل اهل بیت (ع)

سرفصلها

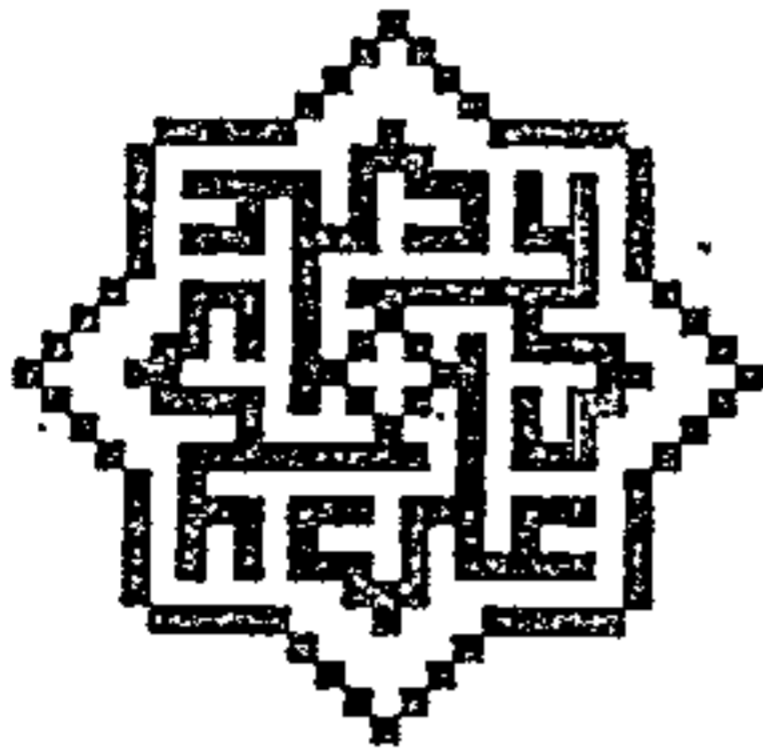
۲- برخورد طبری با اهل بیت (ع)

کیفیت

ملاحظات

# اهل بیت رسالت در تفسیر طبری

رضا استادی



هنگامی که آگاه شدم مجله وزین کیهان اندیشه دستاورد کار تهیه ویژه نامه‌های برای دانشمندان معروف این جریر طبری است، پس از مشورت با برخی دوستان موضوع «طبری و اهل بیت رسالت» را انتخاب کردم و هدفم این بود که با مراجعه به آثار طبری این موضوع را روشن کنم که او هم مانند بسیاری دیگر از علمای اهل تسنن حاضر نبوده فضائل اهل بیت طهارت را با بی طرفی کامل در کتابهای خود یاد کند.

هنگام شروع انجام این تحقیق متوجه شدم که فرصتی فراوان و فراغت بالی پیش از آنکه من دارم می‌طلبم و ضمناً محصول این تحقیق کتابی خواهد شد، نه مقاله‌ای برای یک مجله، بنابراین امر دایر بود بین اینکه از این موضوع منصرف شوم یا کاری در حد نمونه انجام دهم و دومی را اختیار نمودم، به این شرح:

با مراجعه به آیاتی که گفته شده درباره اهل بیت عصمت نازل شده است سی‌ایه را انتخاب کرده و مورد بررسی قرار دادم. لازم به توضیح است که انتخاب آیات بدون مراجعه به تفسیر طبری بود، یعنی هنگام انتخاب آیات اطلاعی نداشتم که آیا این آیه که انتخاب می‌کنم از آیاتی است که طبری در ذیل آن روایت مربوط به اهل بیت را آورده یا نه، از اینرو می‌توان گفت این

سی‌مورد بخوبی می‌تواند نمونه‌ای از طرز برخورد طبری با اهل بیت رسالت علیهم السلام و فضائل آنان باشد.

علمای اهل تسنن در برخورد با فضائل اهل بیت علیهم السلام و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنان، و آیات نازل شده در مورد آن عزیزان، چند گونه‌اند:

گروه نخست آنان که از ذکر این قبیل مطالب خودداری نموده و به اصطلاح امروز گرفتار خودسانسوری هستند.

گروه دوم کسانی هستند که مطلب را به صورتی نقل می‌کنند، ولی برای آن یا معارضی به میان می‌آورند و یا در سند و یا در دلالت آن برفضیلت بودن و یا دال بر استحقاق جانشینی رسول خدا بودن خدشه وارد می‌سازند.

گروه سوم، هم مطلب را نقل می‌کنند و هم آن را از فضائل اهل بیت بشمار می‌آورند، ولی از دلالت آن بر استحقاق امامت، یا سکوت می‌ورزند و یا در دلالت آن اشکال می‌کنند.

گروه چهارم کسانی هستند که در سند و یا دلالت این قبیل احادیث اشکالی نمی‌بینند، ولی می‌گویند عمل اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، که پس از آن حضرت، علی علیه السلام را به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله

عمل امیر مؤمنان سبب نزول آیه: «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» شد. ولی آیه بر دیگران هم قابل صدق است، زیرا اعتبار، به لفظ آیه و عموم و اطلاق آن است نه به خصوص مورد نزول.

ب- مصداق منحصر آیه شریفه، اهل بیت هستند و به دیگران به هیچ وجه قابل صدق نیست، مانند آیه تطهیر و آیه مباحله.

ج- اهل بیت مصداق اکمل و اظهر آیه شریفه هستند و از اینرو مانعی ندارد که آیه بر دیگران هم صادق آید مانند: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».

فرق این معنی با معنی اول آن است که در اولی، اهل بیت سبب نزول آیه بودند، ولی در معنی سوم ممکن است اهل بیت سبب نزول آیه نباشند و آیه بدون سبب نزول نازل شده باشد، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی، اهل بیت را به عنوان مصداق مسلم و روشن آن آیه معرفی کرده باشند.

\* ممکن است برخی از روایاتی که نازل شدن بعضی آیات را در باره اهل بیت علیهم السلام اثبات می کند محتوایش به گونه ای باشد که با ظاهر آن آیه هماهنگی کامل نداشته باشد، ما سعی کرده ایم آیات و روایاتی را یاد کنیم که یخوبی با هم هماهنگ باشد.

\* پس از ذکر هر آیه و ترجمه فارسی آن، و اشاره به روایت یا روایاتی که نزول آن آیه را در باره اهل بیت اثبات می کند و نیز ذکر مصادر آنها، به تفسیر طبری در ذیل همان آیه رجوع می کنیم تا از برخورد این مفسر بزرگ با اهل بیت (ع) آگساز شویم.

\*\*\*

۱- فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هوالنواب الرحیم. (بقره/۳۷).

ترجمه: آدم از پروردگار خود کلماتی را فراگرفت پس خدا توبه او را پذیرفت و خداوند بسیار توبه پذیر است.

از عبدالله بن عباس و علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: مراد از «کلماتی» که آدم از پروردگارش آموخت چیست؟ حضرت فرمودند: آدم خدای متعال را سوگند داد به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که توبه اش را بپذیرد، پس خداوند هم توبه او را پذیرفت.

در احقاق الحق این روایت و اشیاء آن از مناقب ابن مغزلی و درالمنثور سیوطی و دلائل النبوة بیهقی و چند کتاب دیگر نقل شده است. به احقاق السحق، ج ۳، ص ۷۶، ج ۱۴، ص ۱۴۸ و ج ۹، ص ۱۰۴ رجوع کنید.

در تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴ با اینکه در صدد ذکر اقوال مختلف درباره این آیه شریفه بوده و چند قول را هم نقل کرده، به روایتی که یاد شده اشاره ای ننموده است.

۲- و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤف بالعباد (بقره/۲۰۷).

ترجمه: از جمله مردم کسی است که جان خویش را به طلب رضایت و خوشنودی خدا [به خدا] می فروشد و خدا نسبت به بتندگان رؤف و مهربان است.

از ابن عباس و حسن بن علی علیهما السلام و ابی سعید خدری و ابی رافع و خدیجه علیها السلام روایت شده در آن شبی که مشرکین تصمیم داشتند رسول الله صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند، علی علیه السلام در بستر آن حضرت خوابید و خطر را به جان خود خرید، این آیه

شریفه نازل شد.

در احقاق الحق این روایت از دهها کتاب از جمله شواهد التنزیل حسکانی و تفسیر ثعلبی و کتاب «ما نزل فی شأن علی» ابونعیم اصفهانی نقل شده است. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۳ و ج ۶، ص ۴۷۹ و ج ۸، ص ۳۳۵ و ج ۱۴، ص ۱۱۶ رجوع کنید.

در تفسیر طبری، ج ۲، ص ۱۸۶ و ۱۸۷ با اینکه در مورد آیه روایات و اقوال متعددی نقل کرده است به این روایت اشارهای ندارند و اگر در موارد دیگر تفسیراً حیاناً متعرض این روایت شده باشد باز اشکال بر طرف نمی شود زیرا روایت مربوط به آیه، در ذیل خود آیه باید ذکر شود.

۳- الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرّاً و علانیة فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون (بقره / ۲۷۴).

ترجمه: کسانی که اموال خویش را شب و روز و نهان و آشکارا انفاق می کنند پاداش آنان نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنها هست و نه غمگین می شوند.

از ابن عباس و ابی مجاهد روایت شده که علی علیه السلام در یک زمانی فقط چهار درهم داشت، یکی را شب و یکی را روز و یکی را مخفیانه و آخری را علنی در راه خدا انفاق کرد، پس این آیه درباره آن حضرت نازل شد.

این روایت در احقاق الحق از دهها کتاب از جمله اسباب النزول واحدی و تفسیر حبری و تفسیر ثعلبی و کشف زمخشری و مناقب ابن مغزلی، نقل شده است. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۴۶ و ج ۱۴، ص ۲۴۹ و ج ۲، ص ۴۴ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۳، ص ۶۷ در ذیل این آیه شریفه اشاره به این روایت نشده است.

۴- واعتصموا بحبل الله جمعیاً ولا تفرقوا واذ کروا نعمه الله علیکم اذ کتتم اعداء فالألف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً و کتتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یتبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون (آل عمران / ۱۰۳).

ترجمه: همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و از اختلاف بپرهیزید، و نعمت خدا بر خود را یاد کنید، آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و خدا میان دلهای شما الفت برقرار کرد، پس با یکدیگر برادر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید که خدا شما را از آن نجات داد، خداوند این چنین آیات خود را برای شما بیان می کند شاید هدایت شوید.

از حضرت صادق علیه السلام و ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که «حبل الله» در این آیه شریفه را به علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت تفسیر و تطبیق کرده اند.

در احقاق الحق این روایت از کتابهای متعدد از جمله شواهد التنزیل حسکانی و تفسیر ثعلبی و عمده ابن بطریق و صواعق محرقة ابن حجر، نقل شده است. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۲۹ و ج ۱۴، ص ۳۸۴ و ۵۲۱ و ج ۱۸، ص ۵۳۵ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۴، ص ۲۱ ذیل این آیه شریفه این روایت را نمی بینیم.

۵- فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لنعنق الله علی الکاذبین (آل عمران / ۶۱).

ترجمه: هر که با تو درباره عیسی احتجاج و مجادله کند پس بگو بیایید پسران و زنان و نفوس خویش را بخوانیم و سپس میاهله کنیم، آنگاه لعنت

خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

نزول آیه مباهله درباره علی و زهرا و حسن و حسین علیهم السلام از مسلمات است. به رساله «اهل البیت و آیه المباهله» نوشته حاج شیخ قوام الدین و شنوی مراجعه شود که این مطلب از دهها کتاب اهل تسنن از سده سوم تا چهاردهم نقل شده است.

طبری در تفسیر، ج ۳، ض ۲۱۱-۲۱۲ برخی از روایات را آورده است که یکی از آنها این است: جریر گوید به مغیره گفتم مردم گویند در روز مباهله رسول خدا صلی الله علیه و آله با نصارای نجران علی علیه السلام هم بوده است مغیره در جواب گفت در روایت شعبی علی علیه السلام ذکر نشده است و من نمی دانم که این عدم ذکر به خاطر سوء رأی بنی امیه یا علی علیه السلام است (که نام علی را از حدیث حذف کرده اند) و یا اینکه اصلاً نام علی در حدیث نبوده است.

به نظر نویسنده این سطور، ذکر این روایت با این توضیحی که در ذیل آن است نمی تواند خالی از اشکال باشد، زیرا در اینکه علی علیه السلام در داستان مباهله بوده است جای تردید نیست و این روایت در صدد ایجاد شک و تردید است.

البته دو سه روایت دیگر که طبری در این زمینه نقل کرده است مانند روایاتی است که در سایر کتب آمده است.

۶- یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم. (نساء / ۵۹). ترجمه: ای مؤمنان از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا و «اولی الامر» از خودتان نیز اطاعت کنید.

از جابر بن عبدالله انصاری و سلیم بن قیس و ابن عباس به عبارات مختلف روایت شده که منظور از اولی الامر در این آیه شریفه علی علیه السلام و

اهل بیت هستند.

در احقاق الحق این روایت از کتابهای متعدد از جمله شواهد التنزیل حسکائی و تفسیر بحرالمحیط و تفسیر غرائب القرآن، نقل شده است. به احقاق الحق، ج ۳، ض ۴۲۴ و ج ۱۴، ض ۳۴۸ مراجعه شود.

در تفسیر طبری، ج ۵، ض ۹۵ در ذیل آیه شریفه اقوال مختلفی را نقل کرده، و متعرض این روایت و احتمال نشده و سپس گوید قول صحیح این است که یگوییم مقصود از اولی الامر امراء و ولایه هستند.

۷- انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم را کعون (مائده / ۵۵).

ترجمه: سرپرست و ولی شما خدا و رسول او و آنانکه نماز اقامه کنند و در حال رکوع زکات دهند می باشند.

از عمار بن یاسر و سلمة بن کهیل و انس بن مالک و ابی ذر غفاری و ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری و عبدالله بن سلام و مقداد و عطاء و برخی دیگر از صحابه روایت شده که این آیه شریفه درباره علی علیه السلام نازل گردیده است و مقصود از «الذین آمنوا» تا آخر علی علیه السلام است که در حال رکوع نماز به فقیری صدقه داد.

در احقاق الحق این روایات با سندهای متعدد از دهها کتاب مانند «معرفة علوم الحدیث» حاکم نیشابوری و مناقب ابن مغزلی و «مانزل فی علی» ایسوعیم اصفهانی و تفسیر ثعلبی و لباب النقول سیوطی و تذکرة ابن جوزی و تفسیر بیضاوی نقل شده است.

به احقاق الحق، ج ۲، ص ۳۹۹ و ج ۳، ض ۵۰۲ و ج ۴، ص ۶۰ و ج ۱۴، ض ۲ و ج ۲۰، ض ۲ رجوع کنید.



در تفسیر طبری، ج ۶، ض ۱۸۶ گوید: اما جمله «والذین آمنوا...» اهل تاویل را در اینکه مقصود از این جمله کیست دو قول است: قول اول اینکه مقصود علی علیه السلام است. و قول دوم اینکه مقصود همه مؤمنان هستند، آنگاه سه روایت در تأیید قول دوم و دو روایت در تأیید قول اول می آورد.

به نظر نویسنده این سطور ایجاد تردید در چنین مطلبی که از متواترات باید بشمار آید وجه صحیحی نمی تواند داشته باشد.

۸- یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بسلفت رسالتک و السله یسعصمک من الناس ان الله لایهدی القوم الکافرین (مائده/ ۶۷).

ترجمه: ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده به مردم برسان و اگر نرسانی پس رسالت الهی را انجام ندادهای، و خدا تو را از شر مردم حفظ می کند، خدا کافران را هدایت نمی نماید.

نزول این آیه در مورد امیر مؤمنان و واقعه غدیر خم، از مسلمات تاریخ و حدیث است و آنطور که در مصادر قدیمی آمده است ابن جریر طبری صاحب تفسیر جامع البیان رساله های در مورد حدیث غدیر داشته که در آن رساله حدیث غدیر را با هفتاد سند روایت کرده است و اهل اطلاع می دانند که در بسیاری از روایاتی که داستان غدیر ذکر شده نزول این آیه در همان مورد یاد شده است. به احقاق الحق، ج ۲، ض ۴۱۵ و ج ۳، ض ۵۱۲ و ج ۱۴، ض ۳۲ و ج ۲۰، ض ۱۷۲ رجوع کنید.

در تفسیر طبری، ج ۶، ض ۱۹۸ در ذیل آیه شریفه آنجا که سبب نزول آیه را مطرح می کند از داستان غدیر و نزول آیه درباره امیر مؤمنان هیچ

یاد نمی کند و این موجب بسی شگفتی است. ۹- یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین (انفال/ ۶۴).

ترجمه: ای پیامبر آنکه از مؤمنان پیرو [کامل] تو است برای تو کافی است.

در کتاب احقاق الحق از کشف الغمه اربلی از کتاب عزالدین عبدالرزاق محدث حنبلی (م ۵۸۹) و شواهد التنزیل حسکانی و نزول القرآن فضل بن احمد اصفهانی، و «ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام» ابونعیم اصفهانی، نقل شده که این آیه شریفه درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام نازل گردیده است. به احقاق الحق، ج ۳، ض ۱۹۶ و ج ۱۴، ض ۲۴۷ و ۵۰۲ و ج ۲۰، ص ۹۳ رجوع شود. در تفسیر طبری، ج ۱۰، ض ۲۶ در ذیل آیه شریفه روایاتی نقل شده ولی روایت مزبور یاد نگردیده است.

۱۰- اجعلتم سقایة الحجاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستون عندالله. (توبه/ ۱۹).

ترجمه: آیا سقاییت و آب دادن به حاجیان و تعمیر مسجد الحرام را یا ایمان به خدا و روز قیامت و جهاد در راه خدا یکسان قرار می دهید؟! نزد خدا یکسان نیستند.

هنگامی که طلحة بن شیبیه و عباس بن عبدالمطلب بر یکدیگر مفاخره می کردند و طلحه میگفت من نسبت به خانه خدا اولی هستم چون کلید دارحرم می باشم و عباس گفت من اولی هستم زیرا سقاییت حجاج با من است در این هنگام علی علیه السلام فرمود من در ایمان آوردن به خدا از شما مقدم می باشم و از شما بیشتر جهاد کرده ام، آیه شریفه نازل شد.

نزول این آیه در این مورد در دهها کتاب از کتب اهل تسنن ذکر شده است، مانند تفسیر

ثعلبی، اسباب النزول واحدی، معالم التنزیل بغوی، مناقب ابن مغزلی و جامع الاصول ابن اثیر و ربیع الابرار زمخشری و تفسیر قرطبی و تفسیر فخررازی، به احقاق الحق، ج ۳، ض ۱۲۲ و ج ۱۴، ض ۱۹۴ و ۵۸۹ و ج ۲۰ و ض ۳۲ رجوع کنید. در تفسیر طبری، ج ۱۰، ض ۶۷ ذیل آیه شریفه همین روایت نقل شده است، اما روایت به طرز دیگر که نامی از علی علیه السلام در آن دیده نمی شود نیز باسندهای متعدد یاد شده است.

۱۱- یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین (توبه ۱۱۹):

ترجمه: ای مؤمنان تقوا داشته و با صادقان باشید.

از ابن عباس و عبدالله بن عمر و ابی جعفر باقر علیه اسلام روایت شده که مقصود از صادقین در این آیه شریفه اهل بیت رسالت هستند و واجب است مسلمانان با آنان بوده و از آنها جدا نباشند. این روایت در کتابهای فراوان از جمله شواهد التنزیل حسکائی و فرائد السمطین حموی و مناقب خوارزمی و تفسیر ثعلبی و تذکره ابن جوزی و کفایة الطالب گنجی و در المنثور سیوطی و تاریخ ابن عساکر آمده است. به احقاق الحق، ج ۳، ض ۲۹۶ و ج ۱۴، ض ۲۷۰ و ج ۲۰، ض ۱۷۸ مراجعه شود.

در تفسیر طبری، ج ۱۱، ض ۴۶ در ذیل آیه شریفه به این روایت اشاره نکرده ولی روایتی به این مضمون نقل شده که مقصود از صادقین، رسول خدا و اصحاب او و در روایت دیگر مقصود از صادقین ابوبکر و عمر است.

۱۲- اقمن کان علی بینة من ربه ویتلوه شاهد منه (هود/۱۷).

ترجمه: آیا کسی که از جانب پروردگار خود دلیلی روشن دارد و از پی درآید برهان و دلیل او را

گواهی از خدا که به صحت آن گواهی دهد. از عباد بن عبدالله و زاذان و حارث و جابر بن عبدالله و ابن عباس و ابوذر و ابوالطفیل و انس و ابو جعفر علیه السلام روایت شده که آیه شریفه در باره علی علیه السلام است، یعنی مقصود از «شاهد منه» آن حضرت است.

این روایت در کتابهای متعدد مانند مناقب ابن مغزلی و شواهد التنزیل حسکائی و تفسیر ثعلبی و تفسیر حبری و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و تفسیر خازن و معالم التنزیل بغوی و تفسیر قرطبی و در المنثور سیوطی آمده است. به احقاق الحق، ج ۳، ض ۳۵۲ و ج ۱۴، ض ۳۰۹ و ج ۲، ض ۳۳ مراجعه شود.

در تفسیر طبری، ج ۱۲، ض ۱۰ در ذیل آیه شریفه روایات زیادی نقل شده که مقصود از «شاهد» زبان رسول خدا و یا قرآن و یا جبرئیل و یا فرشتهای است که از طرف خدا حافظ رسول خدا است و فقط یک روایت از علی علیه السلام نقل می کند که آن گرامی فرموده این آیه در باره من نازل شده است، و در پایان طبری گوید: قولی که از همه اقوال به صواب نزدیک تر است این است که بگوییم مقصود از «شاهد منه» جبرئیل است.

۱۳- قل هذه سبیلی ادعو الى الله على بصيرة انا ومن اتبعنى وسبحان الله وما انا من المشركين (يوسف/۱۰۸).

ترجمه: ای پیامبر بگو این راه من است با بصیرت و بینایی کامل من و آنکه پیرو من است به سوی خدا دعوت می کنیم و منزّه است خدا و من از شرکان نیستم.

در کتاب مناقب ابن مروویه و شواهد التنزیل حسکائی و توضیح الدلائل سید احمد شافعی، روایاتی آمده که مقصود از «من اتبعنى» در آیه شریفه علی علیه السلام و اهل بیت رسول الله است.

ابی سعید خدری روایت شده است هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآله فدک را به فاطمه داد. و همچنین در همان کتاب همین مطلب از ابن عباس روایت شده است. و در تفسیر ثعلبی است که علی بن الحسین علیهما السلام فرمود مادوا القربی هستیم. به احقاق الحق، ج ۳، ض ۵۴۹ و ج ۱۴، ض ۵۷۵ و ۶۱۸ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۱۵، ض ۱۵۲ روایت علی بن الحسین علیهما السلام را آورده و گفته احتمال دیگر این است که مقصود از «ذو القربی» خویشاوندان هر کس باشد، نه خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه وآله، و آنگاه قول دوم را مقرون به صواب دانسته است.

۱۶- ان البذین آمنوا واعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا (مریم/ ۹۶)

ترجمه: آنانکه ایمان آورده اند و اعمال صالح و شایسته انجام می دهند خداوند رحمان برای آنان در دلهای مردم مودت و محبت قرار می دهد.

در تفسیر ثعلبی و کشاف زمخشری و تفسیر قرطبی و تذکره ابن جوزی و صواعق محرقة ابن حجر و الفصول المهمه ابن صباغ و در السمثور سیوطی و شواهد التنزیل حسکائی و مناقب خوارزمی و چند کتاب دیگر روایت شده که این آیه شریفه درباره علی (علیه السلام)، نازل گردیده است. به احقاق الحق، ج ۳، ض ۸۲ و ج ۱۴، ض ۱۵۰ و ج ۱۸، ض ۵۴۱ و ج ۲۰، ص ۵۱ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۱۶، ص ۱۰۰ پس از ذکر چند روایت که معنی عام آیه را در بر دارد بدون اینکه از روایت مربوط به علی علیه السلام یاد کند می گوید بعضی گفته اند این آیه در بشاره عبدالرحمن بن عوف نازل شده است.

۱۷- فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ یسیح له فیها بالغدو و الاصال رجال لا تلهیهم

به احقاق الحق، ج ۳، ض ۳۶۸ و ج ۱۴، ض ۶۰۱ و ج ۲۰، ض ۲۱۰ رجوع کنید.

در تفسیر طبری، ج ۱۳، ض ۵۲ در ذیل آیه شریفه این روایت را نمی بینیم.

۱۴- ویثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة ویضل الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء (ابراهیم/ ۲۷).

ترجمه: خدا کسانی را که ایمان آورده اند به قول ثابت در زندگی دنیا و در آخرت استواری و نیات دهد و ظالمان را گمراه کند و خدا هر چه خواهد می کند.

در تفسیر حبری و شواهد التنزیل حسکائی و مناقب ابن مغزلی از ابن عباس روایت شده که گفت: مقصود از «قول ثابت» ولایت علی بن ابی طالب است. به احقاق الحق، ج ۳، ض ۵۴۸ و ج ۱۴، ض ۴۰۲ و ۶۴۱ رجوع کنید.

در تفسیر طبری، ج ۱۳، ض ۱۴۲ روایات متعددی آمده که ضمون آنها این است که مقصود از تثبیت در حیات دنیا تثبیت مؤمن است هنگامی که در قبر از او سئوالاتی می شود: پروردگار تو کیست، دین تو چیست، پیامبر تو کیست؟...

و طبق روایات متظانره شیعه یکی از سئوالات قبر این است که امام تو کیست که اگر از جواب این سؤال عاجز باشد اهل نجات نخواهد بود.

لازم به تذکر است که مناسب بود اولاً روایات سؤال قبر کامل ذکر شود و ثانیاً روایت تثبیت به ولایت در این زمینه یاد گردد ولی در تفسیر طبری این روایات نقل نشده است.

۱۵- و آت ذا القربی حقه و المسکین و ابن السبیل و لا تبذر تبذیراً (اسراء/ ۲۶).

ترجمه: حق خویشاوند و مسکین و در راه مانده را به آنان بده و اسراف مکن.

در شواهد التنزیل حسکائی از عطیه عوفی از



تجارة و لا بيع عن ذكر الله واقام الصلاة وايتاء الزكاة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب والابصار (نور/ ۳۶).

ترجمه: در خانه‌هایی که خدا اجازه داده است رفعت و بلندی پیدا کنند و نام او در آن خانه‌ها برده شود مردانی که تجارت و خرید و فروش، آنان را از یاد خدا و نماز خواندن و زکات دادن مشغول نمی‌کند، صبح و شام در آن خانه‌ها خدا را تسبیح می‌کنند.

سیوطی در در المنثور و الوسی در روح المعانی از انس بن مالک و بریده روایت کرده‌اند که رسول الله این آیه را قرائت کرد، شخصی برخاست و گفت این خانه‌ها کدام خانه‌ها هستند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌های انبیاء علیهم السلام، پس ابوبکر برخاست و گفت: آیا خانه علی و فاطمه از همین خانه‌ها است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بعله از بسا فضیلت‌ترین این خانه‌هاست.

این روایت در شواهد التنزیل حسکانی و تفسیر ثعلبی و چند کتاب دیگر نقل شده است. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۵۸ و ج ۹، ص ۱۳۷ و ج ۱۴، ص ۴۲۱ و ج ۱۸، ص ۵۱۵ رجوع شود. در تفسیر طبری، ج ۱۸، ص ۱۱۱ ذیل آیه شریفه روایاتی نقل شده که مقصود از این بیوت مساجد و یا همه خانه‌ها است و به روایتی که در بالا ذکر شد اشاره نگردیده است.

۱۸- وانذر عشیرتک الاقربین (شعرا/ ۲۱۴).

ترجمه: خویشان نزدیکت را انذار کن. در دهها کتاب از کتب اهل تسنن روایت شده هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله خویشاوندان خود را جمع و نبوت خود را اعلام نمود و ضمناً وزارت و خلافت عسلی علیه السلام پس از خود را به آنان گوشزد کرد. و به

محتوای همین روایات است که ما می‌گوییم رسول خدا صلی الله علیه و آله از روز اول که بعثت خود را به طور علنی اعلام نمود امامت علی علیه السلام را هم بیان کرد و تا پایان عمر مکرر آن را تأکید و تحکیم می‌نمود. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۶۰ و ج ۱۴، ص ۴۲۳ و ج ۲۰، ص ۱۱۹ رجوع شود. در تفسیر طبری، ج ۱۸، ص ۷۴ در ذیل آیه شریفه این حدیث یاد شده است. علامه امینی در کتاب القدر، ج ۱، ص ۲۰۶ گفته است: طبری همین روایت را در تاریخ خود هم یاد کرده است ولی آنچه در تاریخ نقل شده با آنچه در تفسیر آمده با هم فرق دارد: در تفسیر جمله حساس «وصی و خلیفتی» حذف شده و به جای آن جمله «کذا و کذا» گذاشته شده است ولی در تاریخ جمله: «وصی و خلیفتی» موجود است.

۱۹- این الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً (احزاب/ ۵۵).

ترجمه: خدا و فرشتگان او بر پیامبر صلوات می‌فرستند، ای مومنان شما هم بر او صلوات و سلام بفرستید.

از کعب بن عجرة و ابی مسعود انصاری و زید بن خارجه و ابی سعید خدری و ابوهریره و ابوحمید ساعدی و بریده خزاعی و ابن عباس و ام سلمه و چند نفر دیگر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که آن حضرت در کیفیت صلوات فرموده است بگوید: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد، یعنی صلوات بر رسول خدا باید توأم با صلوات بر آل او باشد.

و این روایت در دهها کتاب از کتابهای اهل تسنن مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم و صحیح نسائی و مسند طیبی و تاریخ بغداد و مستدرک حاکم نقل شده است. به احقاق الحق، ج ۳، ص

۲۵۲ و ج ۹، ض ۵۲۴ رجوع شود.  
در تفسیر طبری، ج ۲۲، ض ۳۱ با اینکه چند روایت به همان مضمون که در بالا ذکر شد آمده و لیکن دو روایت هم نقل کرده است که در آنها در کیفیت صلوات «آل» ذکر نشده است، در صورتی که کثرت روایات و مصادر معتبر آن جای هیچ تردید باقی نمی‌گذارد که باید در صلوات «آل» ذکر شود.

۲۰- انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً (احزاب/۳۳).

ترجمه: خدا می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و پاکیزه‌تان کند، پاکیزه کردن کامل.

نزول آیه تطهیر در مورد علی و فاطمه و

حسن و حسین علیهم السلام از مسلمات تاریخ و روایت است و روایات در این باب از حد تواتر و

یقین و اطمینان افزون است، به حدی که مجموعه آنها کتابی را تشکیل می‌دهد و گواه کثرت روایات

این است که در تفسیر طبری، ج ۲۲، ض ۶ سیزده روایت که همه دلالت بر نزول آیه تطهیر درباره

اهل بیت دارد نقل شده است. به احقاق الحق، ج ۲، ض ۵۰۱، ج ۳، ض ۵۱۳ و ج ۹، ض ۱-۶۹ و

ج ۱۴، ض ۴۰ و ج ۱۸، ض ۳۵۹ رجوع کنید.

در تفسیر طبری گفته شده که در مقصود از «اهل البیت» در آیه شریفه اختلاف است، برخی

گویند مقصود علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند و عده‌ای گویند مقصود

همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشند و برای احتمال دوم فقط یک روایت نقل شده است

آیا انصاف است در مطلبی با این اهمیت و صحت که خود طبری سیزده روایت آن را نقل کرده با

ذکر یک روایت بی‌اصل ایجاد تردید و شک نمود؟  
۲۱- وقفوهم انهم مسئولون (صافات/۲۴).  
ترجمه: [در روز قیامت گفته شود] نگاهشان

دارید که آنان باید مورد سؤال و بازخواست قرار گیرند.

در کتاب صواعق محرقه ابن حجر و کتاب

شیخ عبدالرزاق حنبلی به نقل کشف الغمّه، و تذکره ابن جوزی و تفسیر حبری و شواهد التنزیل

حسکانی و مناقب خوارزمی و «مانزل من القرآن فی علی» ابونعیم اصفهانی و چند کتاب دیگر از

کتاب اهل تسنن روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت از ولایت و حب علی

ابن ابی طالب سؤال می‌شود. به احقاق الحق ج ۳، ض ۱۰۴ و ج ۱۴، ض ۱۸۲ و ج ۲۰، ض ۱۳۵ رجوع کنید.

در تفسیر طبری، ج ۲۳، ض ۳۲ در ذیل آیه شریفه سه قول نقل و روایاتی هم یاد شده، ولی به

روایت مربوط به ولایت علی بن ابی‌طالب اشاره نشده است.

۲۲- والذی جاء بالصدق و صدق به اولشک هم المتقون (زمر/۳۳).

ترجمه: آنکه راستی آورده [یعنی رسول خدا] و آنکه راستی را تصدیق کرده اینها پرهیزکارانند.

در کتابهای مناقب ابن مغزلی و تاریخ ابن عساکر و کفایة الطالب گنجی و تفسیر قرطبی و در

المنثور سیوطی و روح المعانی آلوسی و تفسیر حبری و شواهد التنزیل حسکانی و «مانزل من القرآن فی علی» ابونعیم اصفهانی به سندهای

مختلف روایت شده که «الذی جاء بالصدق» محمد صلی الله علیه و آله و «الذی صدق به» علی علیه

السلام است. به احقاق الحق، ج ۳، ض ۱۷۷، ج ۱۴، ص ۲۴۲، ج ۲۰، ض ۱۴۶ رجوع کنید.

در تفسیر طبری، ج ۲۴، ض ۳ آمده که در تأویل «الذی صدق به» چند قول است: ۱-

رسول الله صلی الله علیه و آله، ۲- ابوبکر، ۳- مؤمنان، ۴- مسلمین، ۵- جبریل.

وی سپس می‌افزاید قول صحیح این است که بگوییم مقصود، همه مؤمنان به قرآن هستند.  
۲۳- قل لا اسألكم عليه اجرا الا المودة فی القربى (شوری/۲۲).

ترجمه: ای پیامبر به مردم بگو من از شما پاداشی نمی‌خواهم مگر دوستی خویشاوندانم را.  
در مسند احمد بن حنبل و صحیح بخاری و مستدرک حاکم نیشابوری و کشاف زمخشری و مقتل خوارزمی و جامع الاصول ابن اثیر و تفسیر ثعلبی و معجم کبیر طبرانی و «ما نزل من القرآن فی علی» ابو نعیم اصفهانی و ذخائر العقبی طبری و فضائل الصحابه احمد بن حنبل و تفسیر بیضاوی و در المنثور سیوطی و کتابهای فراوان دیگر روایت شده که مقصود از آیه شریفه لزوم مودت و حب اهل بیت رسالت است. به احقاق الحق ج ۳، ص ۲-۲۳ و ۵۲۳ و ۹، ص ۹۲ و ج ۱۴، ص ۱۰۶ و ج ۱۸، ص ۲۳۶ و ۵۲۸ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۲۳، ص ۱۵ در ذیل آیه شریفه می‌گوید در تفسیر آیه چند قول است و برای هر کدام روایاتی نقل می‌کند:  
قول اول اینکه: رسول خدا می‌فرماید مرا به خاطر خویشاوندی که با شما دارم دوست داشته باشید.

قول دوم اینکه: رسول خدا می‌فرماید خویشاوندان مرا دوست بدارید.  
قول سوم اینکه: از شما پاداشی نمی‌خواهم مگر دوستی در راه تقرب الی الله.  
سپس طبری گوید نزدیک‌ترین اقوال به صواب قول اول است.

۲۴- یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقة ذلک خیر لکم واطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم (مجادله/۱۲)

ترجمه: ای مؤمنان هنگامی که می‌خواهید خدمت رسول خدا برسید و با او صحبت کنید پیش از آن صدقه‌ای بدهید، این برای شما بهتر و پاک‌کننده‌تر است، پس اگر مالی نیافتید که صدقه بدهید خدا غفور و رحیم است.

در کتابهای احکام القرآن جصاص و المناسخ و المنسوخ هبة الله بن سلامه و مستدرک حاکم و اسباب النزول واحدی و مناقب ابن مغزلی و تفسیر ثعلبی و ربیع الابرار زمخشری و معالم التنزیل بغوی و شواهد التنزیل حسکانی و کتابهای فراوان دیگر آمده که تنها کسی که به این آیه شریفه عمل کرد یعنی برای نجوای با رسول خدا صلی الله علیه و آله صدقه داد و سپس آیه نسخ شد علی علیه السلام بود. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۲۹ و ج ۱۴، ص ۲۰۰، ج ۲۰، ص ۱۸ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۲۸، ص ۱۴ همین روایت نقل شده، ولی روایت دیگری هم که اطمینان به کذب آن داریم نقل گردیده است، مضمون آن روایت این است که وقتی این آیه نازل شد مسلمانان پیش از نجوای با رسول خدا صلی الله علیه و آله صدقه می‌دادند (یعنی اختصاص به علی علیه السلام ندارد) و هنگامی که حکم زکات نازل شد این آیه نسخ گردید.

۲۵- وان تظاهرا علیه فان الله هو مولاه و جبریل و صالح المؤمنین (تحریم/۴).

ترجمه، اگر بر ضد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همپشتی کنید خدا و جبریل و صالح المؤمنین دوستدار او هستند.

از ابن عباس و اسماء بنت عمیس و عمرو بن عاص و حذیفه و علی علیه السلام در کتابهایی مانند تفسیر حبری و شواهد التنزیل حسکانی و مناقب ابن مغزلی و تفسیر ثعلبی و تفسیر قرطبی و در المنثور سیوطی و تاریخ دمشق ابن عساکر و «ما

پروردگارت خشنود و پسندیده باز گردد. پس در صف بتدگانم داخل شو و بهیشتم وارد شو.

در کتاب شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۳۰ روایت شده است که این آیه مبارکه در باره علی علیه السلام نازل شده است.

در تفسیر طبری، ج ۳۰، ص ۱۲۲ در ضمن روایات و مطالبی که ذکر شده به جای روایت بالا این روایت آمده است: سعید گوید این آیه را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله قرائت کردم، ابو بکر که در آنجا حاضر بود گفت: «ان هذا لحسن» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگام مرگ تو فرشته‌ای همین آیه را خطاب به تو می گوید: اما ان الملك سيقولها لك عند الموت.

۲۸- ولسوف يعطيك ربك فترضى (الضحى/۵).

ترجمه: پروردگارت (آنقدر) به تو عطا کند که خشنود شوی.

در کتابهای صواعق محرقة ابن حجر و فرائد السمطين حموینی و مناقب ابن مغزلی و شواهد التنزیل حسکانی و احياء الميت سیوطی و تفسیر ابن کثیر و چندین کتاب دیگر روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله راضی نمی شود که اهل بیت او به آتش عذاب شوند. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۸۶ و ج ۹، ص ۱۳۹ و ج ۱۴، ص ۴۶۳ و ج ۱۸، ص ۴۴۶ و ۵۴۰ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۳۰، ص ۱۴۹ گوید اهل علم در اینکه خدای متعال به رسولش چه عطا می کند که او راضی می شود اختلاف کرده اند: بعضی گویند: هزار قصر با ویژگیهایی که در روایت ذکر شده به او می دهد و برخی گویند: رضای رسول خدا به این است که اهل بیت او به آتش گرفتار نشوند و هر دو مطلب روایت دارد.

۲۹- ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئک

نزل من القرآن فی علی «ابو نعیم اصفهانی روایت شده که «صالح المؤمنین» علی بن ابی طالب علیه السلام است. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۳۱۱ و ج ۱۴، ص ۲۸۷ و ج ۲۰، ص ۶۷ رجوع کنید.

در تفسیر طبری، ج ۲۸، ص ۱۰۴ در ذیل آیه شریفه آمده که مقصود از «صالح المؤمنین» ابو بکر و عمر و یا انبیاء و یا عموم مؤمنان و خیار مؤمنان است، ولی به روایت یاد شده در بالا اشاره نشده است.

۲۶- ويطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیماً واسیراً انما نطعمکم لوجه الله لا نريد منکم جزاء ولا شکوراً (دهر/۸).

ترجمه: غذا را با آنکه دوست دارند به مستمند و یتیم و اسیر دهند و گویند ما شما را فقط به خاطر خدا غذا می دهیم و از شما پاداش و سپاسی نمی خواهیم.

نزول سوره هل اتی و این آیه شریفه در باره اهل بیت جای هیچ تردید نیست و در دهها کتاب از کتب اهل تسنن مانند کشف زمخشری و اسباب النزول و احدی و معالم التنزیل بغوی و تذکره ابن جوزی و کفایة الطالب گنجی و تفسیر قرطبی و اسد الغابه ابن اثیر و ربیع الا برار زمخشری و اصیبه ابن حجر و مناقب خوارزمی و مناقب ابن مغزلی و تفسیر حبری به این مطلب تصریح شده است.

در تفسیر طبری، ج ۲۹، ص ۱۲۹ در ذیل آیه شریفه اشاره‌ای به این مطلب نشده است.

به احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۸۳ و ۱۵۸-۱۶۹ و ج ۸، ص ۵۷۶ و ج ۹، ص ۱۱۰ و ج ۱۴، ص ۴۴۶ و ج ۱۸، ص ۳۳۹ رجوع کنید.

۲۷- یا ایتهای النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی (فجر/۲۶-۳۰).

ترجمه: ای نفس و جان مطمئن به سوی



هم خیر البریه (بینه/۷).

ترجمه: کسانی که ایمان آورده و عمل صالح و شایسته انجام دادند اینان بهترین مردم هستند. - از ابوبرزه و ابوسعید و ابن عباس و علی علیه السلام و جابر بن عبدالله در کتابهایی مانند شواهد التنزیل حسکانی و تفسیر جبری و «ما نزل من القرآن فی علی» ابو نعیم اصفهانی و کفایة الطالب گنجی و تذکرة ابن جوزی و در المنثور سیوطی، روایت شده که این آیه شریفه در باره علی علیه السلام و شیعیان او است. به احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۷ و ج ۱۴، ص ۲۵۸ و ج ۲۰، ص ۲۶ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۳۰، ص ۱۷۱ همین روایت در ذیل آیه یاد شده است: قال السنبلی صلی الله علیه و آله: انت یا علی و شیعتک.

۳۰ - ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم (تکاتر/۸).

ترجمه: سپس در آن روز از نعیم، سؤال و بازخواست خواهید شد.

در کتابهای شواهد التنزیل حسکانی و «ما نزل من القرآن فی علی» ابو نعیم اصفهانی و نظم در رالسمطین جمال الدین محمد زرنندی و «ثلاثین سوره» ابن خالویه نحوی و ینابیع الموده قندوزی و روح المعانی آلوسی و مناقب خوارزمی و مناقب مرتضوی و برخی کتابهای دیگر روایت شده که مقصود از «نعیم» که روز قیامت مورد سؤال قرار می گیرد نعمت ولایت علی بن ابی طالب و اهل اهل بیت رسالت است. به احقاق الحق ج ۳، ص ۵۸۴ و ج ۱۴، ص ۴۶۱ رجوع شود.

در تفسیر طبری، ج ۳۰، ص ۱۸۴ ذیل آیه شریفه گوید در اینکه مقصود از نعیم در این آیه چیست چند قول است:

۱- امنیت و صحت، ۲- سلامت گوش و چشم و صحت بدن، ۳- عسافیت، ۴- برخی از

غذاها و نوشیدنیها مانند غسل و خرما و آب سرد، ۵- هر لذتی که انسان در دنیا می برد. و سپس طبری گوید: قول صواب این است که بگوییم همه نعمتها مقصود است، و از آن روایت که می گوید مقصود نعمت ولایت اهل بیت است یاد نمی کند.

در پایان یادآوری چند نکته لازم است:

۱- آنانکه با تاریخ زندگی علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام آشنا باشند می دانند که مضمون سی آیه مذکور در آن بزرگواران تجسم داشته و وجود این فضائل در آنان جای تردید نیست و همانطور که پیشتر گفتیم نزول این آیات در مورد اهل بیت، و یا تطبیق و تفسیر آنها به اهل بیت، مستلزم این نیست که آیات را برخلاف ظاهرش حمل کنیم، و به عبارت دیگر معنایی را بر آیه تحمیل نماییم، بلکه بدون هیچ تکلف و تعسف می توان اهل بیت را مصداق کامل این آیات و احياناً سبب نزول برخی از آنها دانست.

۲- ممکن است گفته شود اکثر قریب به اتفاق روایاتی که در این مقاله به آنها اشاره شد مربوط به کتابهای قرن پنجم به بعد است و در کتابهای قرن سوم که عصر طبری بوده این قبیل روایات کمتر به چشم می خورد. و وجه اینکه طبری این روایات را نیاورده این است که در کتابهای قدیمی نبوده است. در پاسخ گوییم همین اعتراضی که به طبری هست به کتابهای مؤلفان معاصر او مانند صحیح بخاری و غیره نیز وارد است یعنی آنها هم با عدم ذکر این روایات بی طرف نبودن خود را ثابت

\* در تفسیر حسین بن حکم جبری که موضوعش آیات نازل شده درباره اهل بیت است حدود بیست آیه از سی آیه ای که ما نقل کردیم آمده است و تألیف این تفسیر ظاهراً پیش از تألیف تفسیر طبری بوده است، زیرا وفات طبری ۳۱۰ و وفات حسین حکم جبری ۲۸۶ می باشد.



کردماند و اگر طبری بی طرف بود باید این روایات را از غیر آن کتابها یعنی از طریق نقل از مشایخ روایت می کرد.

۳- ممکن است گفته شود ذکر روایات در ذیل آیات، مختص به تفسیرهای روایتی مانند «الدرالمنثور» سیوطی است و در غیر تفسیرهای روایتی عدم ذکر روایات در ذیل آیات، نمی تواند مورد اعتراض قرار گیرد.

در پاسخ گوییم با مراجعه به تفسیر طبری روشن می شود که در این کتاب ذکر روایات بیش از حد مورد عنایت بوده و می توان این تفسیر را از تفاسیر روایتی بشمار آورد.

۴- روایاتی که در این مقاله به آنها اشاره شد همه از مصادر اهل تسنن بود، آنانکه بخواهند همین روایات را از مصادر شیعه ببینند می توانند به تفسیر «البرهان» تألیف سیدهاشم بحرانی و تفسیر «نورالثقلین» تألیف علامه حویزی مراجعه کنند.

۵- ممکن است کسی بگوید در تفاسیر قدیمی شیعه مانند تبیان شیخ طوسی هم در ذیل این آیات، به روایاتی که می گوید این آیات درباره اهل بیت نازل شده غالباً اشاره نمی شود پس اینکه طبری روایات مزبور را نقل نکرده دلیل بر سوء نظر او نمی شود. در پاسخ گوییم:

اولاً، تفسیر تبیان تفسیر روایتی نیست و عنایتی به نقل روایات در ذیل آیات ندارد از اینرو نقل نکردن او نمی تواند مورد اعتراض قرار گیرد برخلاف تفسیر طبری که گفتیم تفسیر روایتی است. و ثانیاً، به تفسیر تبیان در ذیل همین سی آیه مراجعه کردیم در حدود بیست مورد مرحوم شیخ طوسی تذکر داده است که این آیه به نظر عامه و خاصه، و یا طبق روایات خاصه مربوط به علی علیه السلام و یا اهل بیت عصمت و طهارت است علاقمندان می توانند مراجعه کنند.

۶- همانطور که قبلاً گفتیم نزول این آیات درباره اهل بیت و یا تطبیق و تفسیر و تأویل آنها به اهل بیت هیچ مشکلی پیش نمی آورد که نیاز به بحث داشته باشد ولی در عین حال خوانندگان را به تفسیر شریف المیزان تألیف علامه طباطبائی (که با مراجعه معلوم شد جز در دو سه مورد بقیه روایات این سی مورد را متعرض شده اند) ارجاع می دهیم چون در این تفسیر گرانقدر با بیانهای محکم و قانع کننده مطابقت این روایات، با ظاهر آیات قرآن مجید توضیح داده شده است.

۷- کتابهایی که در نوشتن این مقاله به آنها مراجعه شده است:

- ۱- تفسیر صافی، اثر ملامحسن فیض کاشانی.
  - ۲- احقاق الحق، اثر قاضی نورالله تشری.
  - ۳- تعلیقات و ملحقات احقاق الحق در ۲۱ جلد از آیه الله مرعشی.
  - ۴- فهرست احقاق الحق، از حجت الاسلام فرجپور، چاپ قم.
  - ۵- اهل البیت و آیه المباهله، از شیخ قوام الدین و شوی.
  - ۶- تفسیر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ بیروت ۱۳۹۲ ق.
  - ۷- الغدیر، اثر علامه شیخ عبدالحسین امینی.
  - ۸- فهرست الغدیر، از سید فاضل حسینی میلانی، ط مشهد.
  - ۹- مقدمه تفسیر الحبری، به قلم سید محمد رضا حسینی جلالی، چاپ بیروت.
  - ۱۰- مقدمه «ما نزل من القرآن فی اهل البیت» به قلم سید احمد حسینی اشکوری، چاپ قم.
  - ۱۱- تفسیر التبیان، تألیف شیخ طوسی.
  - ۱۲- تفسیر المیزان، تألیف علامه طباطبائی.
- لازم بذکر است که اگر فهرست کتاب احقاق الحق و ملحقات آن، نوشته حجت الاسلام جناب آقای فرجپور در اختیار نویسنده نبود به هیچ وجه نمی توانست این مقاله (هر چند کم ارزش را) در حدود ده روز تنظیم کند. از اینرو از زحمات این دانشمند و همچنین سایر فهرست نگارها که انجام کارهای تحقیقی و علمی را تا حد زیادی آسان می کنند سپاسگزاری و قدردانی می شود.